



زیادی آنجا بودند، اما فقط مادر بزرگ زهرا بود که آن بالا روی سکو کنار مجری برنامه و خانم ناظم نشسته بود. نشسته بود و آماده بود تا برای همه قصه بگوید؛ یک قصه‌ی خیلی قشنگ.

است. چرا خودم فکرش را نکردم؟! در قصه‌گفتن کارتان عالی است.» خیلی زود مادر بزرگ آماده شد و همراه زهرا به طرف مدرسه به راه افتاد. همه برای جشن پلدا آمده بودند. مادر و پدر و مادر بزرگ و پدر بزرگ‌های

